

راهکارهای بصری در مصورسازی و مشروعیت‌بخشی به احکام نجوم در فالنامه‌های مصور دوره صفویه

سعید اخوانی * فتانه محمودی **

۳۹

چکیدہ

باور به تأثیر وضعیت اجرام آسمانی بر اتفاقات و رویدادهای زندگی انسان، از دیرباز در میان اقوام مختلف متداول بوده است. مفاهیم احکام نجومی در هنر ایران به صورت نقش‌مایه‌های تزیینی در فلزکاری و دیگر هنرهای کاربردی در دوره‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته است، اما در فال‌نامه‌های مصور دوره صفویه، این مفاهیم نه در ساحت تزیین بلکه در ماهیت اصلی خود؛ یعنی ابزاری برای پیش‌گویی ظاهر شده است. پیش‌گویی از طریق احکام نجومی در دوره اسلامی، با منوعیت نهاد دینی مواجه بوده است. با توجه به نقش تعیین‌کننده مذهب در حکومت صفویان، این مسأله مطرح می‌شود که پیش‌گویی از طریق استفاده از مفاهیم احکام نجومی چگونه در نگارگری فال‌نامه‌های مصور عصر صفوی نمود پیدا کرده و چه راهکارهایی برای مشروعيت‌بخشی به آن در برابر منوعیت نهادهای دینی اتخاذ شده است؟ در این مقاله برای پرداختن به این مسأله با روش توصیفی-تحلیلی-طبیقی، چهار نسخه فال‌نامه طهماسبی (پراکنده)، فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی‌سراي، فال‌نامه فارسی درسدن آلمان و فال‌نامه ترکی سلطان احمد اول مورد مطالعه قرار گرفته است. در این پژوهش، ابتدا حضور مفاهیم احکام نجومی در نگاره‌های این چهار نسخه مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن، نحوه تصویرسازی مفاهیم احکام نجوم و راهکارهای مشروعيت‌بخشی به این شیوه پیش‌گویی، طبیق داده شده است. نتیجه این پژوهش حاکی از این است که به دلیل منوعیت شرعی استفاده از احکام نجوم در پیش‌گویی، این مضماین در نگاره‌های قدیمی‌ترین نسخه فال‌نامه مورداستفاده قرار نگرفته و تنها در متن فال آن به این مفاهیم اشاره شده است، اما در نسخه‌های بعدی، این مفاهیم به طور مستقیم در نگاره‌ها تصویرسازی شده و از راهکارهایی مثل استفاده از آیات قرآنی در هر نگاره، استفاده از شمایل‌های مذهبی در کنار مضمون تمجیم و هم‌چنین استفاده از تصویر فرشتگان برای مشروعيت‌بخشیدن به کاربرد احکام نجومی در پیش‌گویی، بهره گرفته شده است.

کلیدوازه‌ها: نگارگری دوره صفویه، فال نامه‌های مصور، باور به پیش‌گویی، مصورسازی احکام نجومی، راهکارهای بصری مشروعيت‌بخشی

* دانش آموخته کارشناسی، ارشد پژوهش هنر، دانشگاه مازندران.

^{**}دانشیار، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول) ..



مقدمه

پنجم تا هفتم هجری»، به بررسی تجسمی نقوش نجومی در آثار فلزی و تطبیق آنها با تصاویر صورت‌های فلکی در کتاب صورالکواكب الشابته عبدالرحمان صوفی پرداخته است. کتاب پرویز تنالوی (۱۳۸۶) با عنوان «طلسم: گرافیک سنتی ایران»، دو بخش دارد؛ بخش نخست را طلسمات، معانی و اعداد وفقی بر پایه اسماءالحسنی در بر می‌گیرد و بخش دوم، نقش حیوانات در امور روان درمانی و رفع مشکلات انسانی را شامل می‌شود. دماوندی (۱۳۸۵) در مقاله «جادو در ایران باستان و کیش زرتشت»، به پیشینه جادو و گونه‌های آن پرداخته و جادو در ایران باستان و کیش زرتشتی را بررسی نموده است. «فالنامه، کتاب فال»، حاوی مقالات پژوهشگران تمدن و فرهنگ ایران صفوی و ترکیه عثمانی و تصاویر تمامرنگی از تنها چهار نسخه خطی راجع به فالگیری و پیش‌گویی باقی‌مانده از عصر صفوی و عثمانی به کوشش معصومه فرهاد و با همکاری سریل بالغچی در واشنگتن چاپ گردیده است. این کتاب به مناسبت برپایی نمایشگاه فال نامه، ۲۴ اکتبر ۲۰۰۹ (۱۳۸۸ آبان ۲۰۰۹) تا ۲۴ زانویه (۱۳۸۸) در موزه هنر فرییر و موزه آرتور ام. ساکلر واقع در واشنگتن، توسط این دو موزه در ۳۴۶ صفحه با تصاویر رنگی بسیار، قطع رحلی و به زبان انگلیسی منتشر گردید.

این مقاله در ادامه پژوهش‌های انجام گرفته، اولین پژوهشی است که به مطالعه حضور احکام نجومی در فالنامه‌های مصور دوره صفویه با تمرکز بر مواجهه با ممنوعیت نهادهای دینی پرداخته است.

پیشینه باورهای کهن به پیش‌گویی

تبارشناسی و شناخت منشأ بسیاری از باورهای انسان هم‌چون اسطوره‌ها، ناممکن می‌نماید. برخی، پیدایش باور به پیش‌گویی را به تمدن‌های بین‌النهرین نسبت داده‌اند. در دو هزار سال پیش از میلاد تحولی رخداد و فرقه‌ای از کاهنان در بین‌النهرین به وجود آمدند که بر همه دانسته‌های سری و اسرارآمیز وقوف داشتند. آنها استادان غیب‌گویی بودند و از روی نقش جگر و امعا و احشای حیوانات ذبح شده و یا از دود و آتش و درخشش سنگ‌های قیمتی، آینده را پیش‌گویی می‌کردند (گلسرخی، ۱۳۷۷: ۲۷). فال و فالگیری به اشکال متعدد از گذشته تا کنون رواج داشته است و مردم در مواقع تردید و دودلی، نگرانی و درماندگی به آن روی می‌آوردند. از کهن‌ترین نمونه‌های فالگیری می‌توان به فال بودا در هند، ای چینگ در چین، ورق‌های تاروت در اروپا، فال اعداد و حروف ابجد در ایران و انواع دیگر فال‌ها مانند تفال با چای، نخود، قهوه یا فالگیری با تاس - که به آن رمل می‌گفتند -

همان‌طور که از نام آن پیدا است فال‌نامه، کتابی از فال‌ها است که همراه با تصاویر در قرن ۱۶ میلادی گردآوری شده است. فال‌نامه‌های دیگری هم بوده‌اند که بدون تصویرسازی تهیه شده‌اند، اما عاملی که این آثار را ویژه و نادر می‌کند؛ این است که تصاویر همراه با فال هستند که این آثار را در مقایسه با فال‌نامه‌های تصویرپردازی نشده برجسته می‌کند. فن پیش‌گویی و علاقه به دریافت آینده، سنتی دیرینه در جهان اسلامی بوده است که شامل ردبایی جایگاه ستارگان، طالع‌بینی و تعبیر خواب می‌شود. از میان تمامی این روش‌ها، این متون تصویرپردازی شده، باشکوه‌ترین نوع تجلی پدیده پیش‌گویی هستند؛ چرا که این نسخه نه برای مردم عادی بلکه برای اشرافیان تهیه شده‌اند. فالگیرهایی در اصفهان و نقاط دیگر ایران و هم‌چنین در استانبول بوده‌اند که مردم عادی به سراغ آنها می‌رفتند و آنها ابزارهای مختلفی را نه فقط برای پیش‌گویی آینده، بلکه جهت راهیابی به جهان ناشناخته به کار می‌گرفتند (Farhad et al, 2010: 30). این موضوع نشان می‌دهد که آنها در واقع تصاویر را برای پیش‌گویی کردن و راهیافتن به دنیای ناشناخته به کار می‌گرفتند. از یک طرف، حضور مضماین مربوط به تنجیم در نگاره‌های این نسخ و از طرف دیگر، فضای مذهبی حاکم بر دوره صفویه که پیش‌گویی از طریق مفاهیم احکام نجوم (تنجیم) را مورد تشکیک قرار داده بود، به لحاظ تاریخی این فال‌نامه‌های مصور را در بستری چالش برانگیز قرار می‌دهد. بنابراین در این مقاله با تمرکز بر این مسئله، تلاش شده است تا از طریق بررسی حضور مفاهیم احکام نجوم در نگاره‌های این نسخ و تطبیق آنها، سازوکارهایی که برای مشروعیت‌بخشی به این موضوع اتخاذ شده است، آشکار گردد.

روش تحقیق

روش به کار گرفته شده در این پژوهش، از نوع توصیفی- تحلیلی- تطبیقی است و اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است. روند انجام پژوهش بدین شکل است که ابتدا، حضور مفاهیم احکام نجومی در نگاره‌های این چهار نسخه مورد بررسی قرار گرفته و پس از آن، نحوه تصویرسازی مفاهیم احکام نجوم و راهکارهای مشروعیت‌بخشی به این شیوه پیش‌گویی، تطبیق داده شده است.

پیشینه تحقیق

قهاری گیگلو و همکار (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی تطبیقی صور نجومی در نسخه صورالکواكب و آثار فلزی سده‌های



انسان هوشمند بر می‌گردد. علم نجوم در ایران نیز مانند دیگر نقاط جهان سابقه‌ای طولانی دارد. در واقع از آنجا که ابزار آن، آسمانی پاک و دو چشم سالم خداداد است، جزو اولین علومی است که توسط ایرانیان مورد توجه قرار گرفته است (بیکرمن و دیگران، ۱۳۸۴: ط (مقدمه)). این دانش در دوره اسلامی بهوسیله دانشمندانی چون ابومشعر بلخی و گروه دیگر از منجمان بزرگ تمدن اسلامی در ایران چون؛ عبدالرحمان صوفی، ابوریحان بیرونی، عمر خیام، خوارزمی و ابوسهل کوهی که در فاصله سده‌های چهارم تا هفتم هجری می‌زیستند، به جهان عرضه شد (رفیعی و شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۳). مهم‌ترین ویژگی این دانش در دوره اسلامی، مطالعه انواع صور فلکی است و در این زمینه، متابع مکتوب مصور و غیرمصور ارزشمندی باقی مانده است (قهاری گیگلو و محمدزاده، ۱۳۸۹: ۶). از آنجا که اغلب رویدادهای آسمانی قابل مشاهده با حوادث زمینی خاصی همچون فصل برداشت محصول یا طغیان رودخانه‌ها هم‌زمان بودند (گیاهی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۱)، نخستین توجه کنندگان به آسمان؛ یعنی کاهن- منجمان ملل قدیم (هلزی هال، ۱۳۶۳: ۲۱)، چنین تصور کردند که اختران می‌توانند بر نظام طبیعی دنیای خاکی، اثرگذار باشند (مسعودی، ۱۳۶۳: ۶۸ و بیرونی، ۱۳۶۶: ۲۵۸). از سوی دیگر در نتیجه رصدهای منظم ستارگان، منجمین متوجه حرکات نامنظم برخی از این اجرام سماوی شدند (روسو، ۱۳۳۷: ۲۴). تقارن حرکات این اجرام با برخی از رخدادهای زمینی همچون جنگ‌ها و شورش‌ها، شیوع قحطی و بیماری، شکل‌گیری مذاهب و خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، این فکر را به وجود آورد که این ستارگان، حاکم بر سرنوشت انسان‌ها هستند (بیرونی، ۱۳۶۲: ۵۱۱ و ۵۱۲). با گذر زمان، این اندیشه در تمامی زوایای زندگی، روحیات، طرز تفکر و رفتارهای اجتماعی انسان، رشد یافت و نظم اجتماعی دنیای کهن را به وجود آورد (زرگری و یحیائی، ۱۳۹۳: ۹۹).

علم هیأت، از جمله علومی است که ابتدا در بغداد بدان اهتمام ورزیدند و نه تنها اعراب درباره مسائل آن به تحقیق پرداختند، بلکه جانشین آنان نیز دنبال تحقیقات ایشان در این رشته را گرفتند. خلافی بنی عباس همین که شهر بغداد را که در سال ۷۶۱ م. بنا شده بود پایتحث خود قرار دادند، به توسعه و تدریس علم هیأت و ریاضیات همت گماشتند (لوبون، ۱۳۵۴: ۵۶). علم نجوم و ستاره‌شناسی از علوم مشهوری است که در دامان فرهنگ و تمدن اسلامی، تکامل و به بالاترین حد توسعه و رواج دست یافت. یکی از علل پیشرفت این دانش، میل شدید خلفاً و حکمرانان و سلاطین به دانستن طالع خود و تعیین اوقات سعد و نحس و شناختن ستاره مربوط به ظهر

اشاره کرد (سیپک، ۱۳۸۴: ۹۴). سر کتاب باز کردن - که اصطلاحی است در فالگیری - نیز از دیرباز مردم را به خود مشغول داشته است. در میان آربابی‌ها نیز انواع پیش‌گویی و فالگیری وجود داشته است. در ایران «فالگیری با عوامل و وسایل متعددی انجام می‌شد از جمله؛ ستارگان، کتاب، تاس (در رمل)، جداول و دوایر (در جفر)، استخوان شانه گوسفند (کتف)، کف دست آدمی، گیاهان، جانوران و نخود» (افشار، ۱۳۸۳: ۷۶). نشانه‌های تفأل را در داستان‌های شاهنامه فردوسی نیز می‌توان دید که برای از پیش آگاهی یافتن استفاده می‌شده است (سرامی، ۱۳۸۳: ۵۴۲). «فال گرفتن و تفأل زدن به حوادث، یکی از راههای پیش‌گویی در شاهنامه است و جالب آن که این نیز از آن دسته پیش‌گویی‌ها است که در هیچ مورد نادرست نبوده است» (نیکنام و صرفی، ۱۳۸۱: ۱۶۹). پیش‌گویی نه تنها پیش‌بینی حوادثی را که در آینده رخ می‌داد، شامل می‌شد، بلکه سلسله مقررات و بایدها و نبایدهایی درباره سعد و نحس روزها و اوقات مختلف شبانه‌روز و رویدادهای مهم زندگی مانند ازدواج را - که در آن اوقات رخ می‌داد - نیز در بر می‌گرفت (باقری حسن‌کیاده و همکار، ۱۳۹۳: ۴). سعد و نحس روزها و اتفاقات گوناگون را با دو اصطلاح «تفأل» و «تطییر» مشخص می‌کنند؛ «تفأل را به فال نیک زدن و تطییر را به فال بد زدن معنی کرده‌اند، معادل کلمه نخستین را در فارسی مروا و دومی را مرغوا دانسته‌اند» (لسان، ۱۳۵۶: ۳۰).

کاربرد احکام نجوم در پیش‌گویی

پیشینیان، افلاک را در آفرینش، رشد و سرانجام، مرگ آدمی و نیز تیره‌بختی و خوش‌بختی و هر آن چه به او مربوط می‌شده، مؤثر می‌دانستند. آن چه بیشتر برای پیشینیان جالب بود، آن قسمت از علم ستاره‌شناسی است که به استخراج احکام و تأثیر آن در سرنوشت آدمیان مربوط است و به آن «علم احکام نجوم» یا «تنجیم»^۱ می‌گفند و آن، با علم «تجوم»^۲ که علمی است که در آن حرکات ستارگان بررسی می‌شود و برای تقویم و گاهشماری به کار می‌رود، تفاوت دارد (حلبی، ۱۳۷۸: ۱۲). «تجوم احکامی»، شیوه‌ای در غیب‌گویی و فال‌بینی است و بر این اصل استوار است که ستارگان و سیارات بر اجسام زمینی و سرنوشت افراد و اقوام تأثیر دارند. امروزه اختربینی در شمار علم به حساب نمی‌آید و یا آن را علم کاذب می‌شمارند و کاملاً مخالف نظریه‌ها و یافته‌های دانش نوین می‌دانند (صرفی و افضل، ۱۳۸۹: ۵۳ و ۵۴). گرایش انسان به شناخت نجوم و کواكب و صدور احکام در مورد گردش ستارگان و عواقب این چرخش‌ها، تقریباً به ظهر



بود (اسفندیاری، ۱۳۹۴: ۸۹). تحقیقات و کشفیات مسلمین در نجوم و هیأت آن قدر موردنوجه قرار گرفت و آن قدر دقیق و علمی بود که در دوران رنسانس و پس از آن، علمای مغربزمین هیچ‌گاه نتوانستند خود را از بند آنان رها سازند و امروزه بسیاری از کشفیات و حتی اندازه‌گیری‌های آنان اثبات شده و مورد قبول واقع گردیده است (سجادی، ۱۳۶۰: ۴۱).

ابن خلدون در تعریف علم هیأت گوید: «علم هیأت، علمی است که از حرکات کواكب ثابته (به‌چشم دیدنی) و کواكب متخرکه و متغیره (قمر، عطارد، زهره، مشتری، زحل) بحث می‌کند و از روی این حرکات و به طرق هندسی بر اشکال و اوضاع افلاک، استدلال می‌کند... و از فروع آن علم ازدیاج یا دانش زیج‌ها است» (حلبی، ۱۳۷۲: ۲۹۸).

در دوره صفویه که محدوده زمانی این پژوهش است، نیز باورهای عمیقی به احکام نجومی و فالگیری از این طریق وجود داشت. شاردن در سفرنامه خود اشاره می‌کند: «ایرانیان، پیش گویی و غیب‌دانی را به دو نام می‌نامند: اسطرالاب یعنی ستاره‌یابی و مطالعه سیر اجرام فلکی؛ که همانا نجوم و اخترشماری است، دیگر؛ فال که در اصل به معنای عمل و نتیجه و اثر است، ولی در اصطلاح به‌چیزی اطلاق می‌شود که ما (اروپایان) سحر و جادو می‌خوانیم و رومیان فن تفال و تطیر می‌نامیدند، این عمل را ایرانیان رمل نیز نامند و مقصود از آن به‌نظر ایشان، فنون سحر و جادو است. استادان فن پیش‌گویی و غیب‌دانی همانا منجمان می‌باشند... ستاره‌شناسان با مطالعه اجرام فلکی و تحقیق در سیر کواكب از آینده خبر می‌دهند و پیش‌گویی‌ها می‌کنند» (شاردن، ۱۳۳۸: ۲۴۸ و ۲۴۷).

کتاب صورالکواكب عبدالرحمان صوفی و تصویرسازی صور فلکی

ابوالحسن عبدالرحمان بن عمر بن محمد بن سهل صوفی رازی (۳۷۶-۲۹۱) هجری قمری در شهر ری دیده به جهان گشود و در سن ۸۳ سالگی در شیراز درگذشت. صوفی در رصدخانه شهر گور فیروزآباد، پژوهش‌های ستاره‌شناسی ارزنهای انجام داد تا جایی که به شهرت فراوانی رسید (ورجاوند، ۱۳۸۵: ۷۳). معروف‌ترین اثر وی، صورالکواكب الثابته نام دارد که اوی در سال ۳۵۳ هجری قمری به رشتہ تحریر در آورد. این کتاب که در مورد ستارگان ثابت است، ادامه پژوهش‌های ستاره‌شناسی در سده سوم هجری بود و بر پایه آثار کلاسیک و کهن از جمله الماجسطی بطلمیوس تدوین شده بود. وی در آن بسیاری از رصدهای ایش را همراه با تصویر تشریح کرده است. در این کتاب، او ستارگان را با نام‌های عربی آنها مشخص کرده و جدولی از قدرهای دقیق ستارگان هر صورت فلکی

فالنامه‌های مصور دوره صفوی

شاردن در سفرنامه خود بعد از توضیح نحوه استخاره‌گیری ایرانیان، به فالنامه‌هایی در دوره صفویه اشاره می‌کند که دارای تصویر بوده و فالگیرها از تصاویر آن برای فالگیری استفاده می‌کرده‌اند: «ایرانیان را دو گونه غیب‌گویی دیگر است؛ نخستین را گلابتین گویند، که استقراع از طاس تخته‌نرد



حدود ۵۹۰×۴۴۵ میلی‌متر مربع، جزو بزرگ‌ترین نقاشی‌های ایرانی تا کنون شناخته شده هستند. میزان آسیب‌های سطحی واردشده به نگاره‌ها نشان می‌دهد که نه تنها تصاویر اغلب مورداستفاده قرار می‌گرفته‌اند، بلکه گاهی نیز از هم جدا شده‌اند (Farhad et al, 2010: 43). در سال ۱۹۲۹ م. ادگار بلوش^۴ اظهار کرد که این نسخه برای دومین پادشاه صفوی یعنی شاه طهماسب تکمیل شده است. متن فال‌نامه طهماسبی (پراکنده) با خط نستعلیق موزون و نسبتاً درشت، تحریر شده و به لحاظ سبکی، از یکپارچگی بیشتری نسبت به نگاره‌ها برخوردار است. آرمن توکاتلیان بر اساس مقیاس، یکنواختی و شفافیت، متن فال‌نامه پراکنده را به خطاط مشهور؛ مالک دیلمی نسبت داده است (Tokatlian, 2007: 37, 8).

اصل یش از فیلواگوش قزوین و از معاریف دیلمیان که خاندانی شریف بودند و در قزوین زیست می‌کردند، بود. او به سال ۹۲۴ ه.ق. متولد شد و در ابتدای زندگی نزد پدر خود «شهره امیر» تعلیم خط ثلث و نسخ گرفت و در این خطوط شهرت یافت. بعدها به فراگرفتن خط نستعلیق پرداخت و به قول صاحب قواعد خطوط هنگامی که رستم علی و حافظ باباجان به سال ۹۴۴ ه.ق. به قزوین رفتند، نزد ایشان به تعلیم خط نستعلیق پرداخت (بیانی، ۱۳۴۲: ۲۱). سبک نگاره‌های فال‌نامه پراکنده نشان می‌دهد که این نسخه احتمالاً بین اواسط دهه ۱۵۵۰ م. و اوایل دهه ۱۵۶۰ م. تهیه شده است. اندازه و حالت پیکرهای ساده شدن بیشتر ترکیب‌بندی‌ها و رهارت‌شدن آنها و هم‌چنین خودانگیختگی بیشتر در ضرب قلم‌ها، نشانه عبور از آثار تولید شده در دهه‌های ۱۵۳۰ و ۱۵۴۰ میلادی در تبریز است. این شیوه جدید بصیری هم‌چنین در ترکیب‌بندی مرقعات میانه قرن ۱۶ م. که با روند افزایشی مردم‌گرایی به عنوان یک قالب جایگزین برای مصورسازی سازگار بود، مشهود است. بنابراین فال‌نامه پراکنده، نمایانگر یک نقطه عزیمت از نسخه‌های پیش‌تر ساخته شده در دربار صفوی است، اما به هیچ وجه تنها اثر نشانگر این تغییر در بین تولیدات هنری دهه ۱۵۵۰ م. نیست؛ دوره‌ای که با چندین تحول مهم در حاکمیت شاه طهماسب مشخص شده است (Farhad et al, 2010: 47).

در همه نسخه‌های فال‌نامه مصور هم‌چنان که در تصویر ۱ نشان داده شده است، در یک سمت نگاره و سمت مقابل آن متن مربوط به فال آن قرار گرفته است. در این نسخه از فال‌نامه که قدیمی‌ترین آنها نیز هست، مضامین اصلی نگاره‌ها را قصص قرآنی، مضامین دینی، شیعی و ادبی تشکیل می‌دهند. با توجه به این که پیش‌گویی و استفاده از تنجیم از نظر شرع اسلام دارای اشکال بوده، در اولین نسخه فال‌نامه مصور،

می‌باشد... دومی نیرنجلات است، که مفهوم اضطراب و مشکلات را می‌رساند و در این فن یک کتاب نیم ورقی دارند مشتمل بر پنجاه تصویر، که عبارت از صور زمختی است که بعضی از آنها صور فلکی و برخی دیگر تمثال‌های انبیا و ائمه ایشان است. این مجموعه رمل ایرانیان است، که علم دانیال خواند و سیمیای ایشان همان است» (شاردن، ۱۳۳۸: ۲۵۱ و ۲۵۲). «یکی از نخستین نسخ موجود مکتب قزوین را باید فال‌نامه دانست که از قرار معلوم تحت حمایت شاه طهماسب کار شده است. موضوع نگاره‌ها، ادبی و مذهبی و دارای ترکیب‌بندی‌های عالی و بعضی نیز روایی است. کیفیت طراحی و رنگ‌بندی آنها در سطح والایی قرار دارد ولی تنوع سبک‌ها در آن مشهود است. هیچ‌یک از این نگاره‌ها رقم ندارد ولی بعضی از آنها را می‌توان به آقامیرک و عبدالعزیز نسبت داد» (Canby, 1999: ۶۹، به نقل از: آژند، ۱۳۹۵: ۵۲۲). عبدالعزیز «با احتمال زیاد در نگارگری نسخه فال‌نامه در حدود سال ۹۶۷ ه.ق. در قزوین دست داشته و نگاره‌زنی در کام شیران را کشیده است» (سودآور، ۱۳۹۴: ۶۲-۱۸۸-۱۸۸؛ به نقل از: آژند، ۱۳۸۰: ۱۳۹۴). از زمان صفویه تنها چهار نمونه از فال‌نامه‌های تصویرپردازی شده باقی مانده است: (۱) فال‌نامه طهماسبی (پراکنده) (۲) فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سراي (۳) فال‌نامه فارسی درسدن آلمان (۴) فال‌نامه ترکی سلطان احمد اول. احتمال دارد نسخه‌های دیگری نیز وجود داشته باشد که اطلاع دقیقی از آنها در دست نیست، ممکن است از بین رفته و یا همین چهار عدد باشد. قدیمی‌ترین آنها تحت عنوان «فال‌نامه پراکنده» شناخته می‌شود که در دربار شاه طهماسب اول؛ دومین پادشاه سلسله صفوی در قزوین و در نیمه‌های قرن ۱۶ میلادی تهیه شده است.

استفاده از احکام نجوم در فال‌نامه نسخه طهماسبی (پراکنده)

این نسخه که به «فال‌نامه پراکنده» معروف شده است در بین دیگر نسخه‌های فال‌نامه این دوره، به بزرگی اندازه شهرت دارد. از این نسخه تا کنون ۳۰ برگه شناسایی شده است که اولین آنها در اوایل سال ۱۹۱۳ م. منتشر شد، اما روش نیست که این تعداد از برگه‌های فال‌نامه چگونه به پاریس رسیده و توجه مجموعه‌داران را به خود جلب کرده است. به نظر می‌رسد در اوایل قرن بیستم یک دلال بلژیکی به نام جورج دموت^۳ مسئول توزیع بعضی از برگه‌های این فال‌نامه در بین مجموعه‌داران خصوصی و عمومی بوده است؛ به همین علت این نسخه را «فال‌نامه پراکنده» نام‌گذاری کردند. به جز یک نگاره، دیگر برگه‌های این نسخه با اندازه‌ای در

تعداد ۹ نگاره از مجموع ۵۹ نگاره نسخه فالنامه فارسی موزه تپقاپی سرای، دارای مضامین مربوط به تنظیم است. همچنین در برگه متن هر فال و نیز در توضیح هر فال، ارجاعات بسیاری به این متون داده شده است. مضامون این نگاره‌ها به دو بخش بروج فلکی و اجرام فلکی مربوط می‌شود. در تصویر ۲، هر یک از دایره‌های ۱۲ گانه، معرف یکی از بروج فلکی است که صورت فلکی مربوط به آن در داخل هر دایره تصویر شده است. برج به معنی قصر و حصار عالی و خانه و جمع آن بروج و ابراج است و در اصطلاح نجومی عبارت است از قوسی در منطقه‌البروج که به سی درجه تقسیم شده که یک دوازدهم ۳۶۰ درجه، دور دایره بزرگی در آن منطقه است و هر قسمت به نام یکی از صور فلکی یا ماههای شمسی است (قهری گیگلو و همکار، ۱۳۸۹: ۸). هر یک از بروج ۱۲ گانه در احکام نجوم دارای صفات ویژه و مفهوم منحصر به‌فردی است که منجر به شکل‌گیری باورهای گسترشده‌ای در دوره‌های مختلف تاریخی ایران شده است. نحوه تصویرسازی این بروج فلکی در فالنامه همچنان که اشاره شد، به‌نسخه مصور کتاب سورالکواكب ارجاع دارد که پس از قرن چهارم هجری در نقوش هنر فلزکاری و سفالگری نمود پیدا کرد و در دوره صفویه در نگاره‌های فالنامه‌های مصور ادامه یافته است. تطبیق نحوه مصورسازی این صور فلکی در این نسخه و

نگاره‌هایی با تصویرسازی مستقیم این مضامین وجود ندارد. در این نسخه تنها می‌توان اشاراتی را به سنت پیش‌گویی از طریق احکام نجوم در متن فال‌ها مشاهده کرد. به عنوان نمونه در متن فال مربوط به نگاره فتح خیر (تصویر ۱) در سطر ۸ و ۹ آمده است: «غرض که کوک اقبالت به‌افق دولت طالع می‌شود و هر نیت که داری به‌خیر و خوبی ساخته می‌گردد». استفاده از احکام نجوم در فالنامه فارسی موزه تپقاپی سرای

این نسخه از فالنامه که هم‌اکنون در کتابخانه تپقاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود، با ۵۹ نگاره، بزرگ‌ترین نسخه فالنامه مصور محسوب می‌گردد. نوشه‌های و تصاویر آن به‌طور دقیق در یک کل واحد گرد آمده‌اند. با توجه به نشان اهدایی در صفحه سفید ابتدای کتاب، این نسخه باید پیش از زمان حکومت سلطان احمد سوم (۱۷۳۰-۱۷۴۰م.) به مجموعه سلطنتی عثمانی وارد شده باشد. رنگ خرمایی مایل به قرمز جلد آن، مربوط به دوره حکومت سلطان عبدالحمید دوم (۱۸۷۶-۱۹۰۹م.) است که احتمال دارد در این تاریخ، برخی از صفحات آن دوباره حاشیه‌نگاری شده باشد. در این نسخه نیز همچون نسخه‌های دیگر فالنامه، در یک صفحه تصویر و در صفحه مجاور آن متن فال قرار گرفته است (تصویر ۱). (Farhad et al, 2010: 53)



تصویر ۱. نگاره و متن فال برگه فتح خیر، فالنامه طهماسبی (پراکنده)، کتابخانه چستر بیتی دوبلین. (URL: ۱)



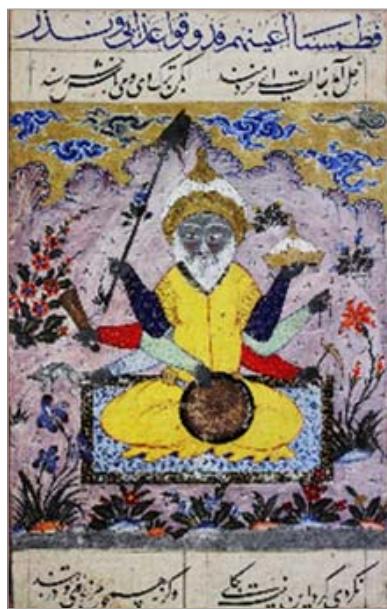
بسیاری که نگاره‌ها مضمون قرآنی دارند، آیه‌ها مستقیماً به موضوع تصاویر ارجاع دارند اما در برخی دیگر (تصویر ۲ و ۳)، ارتباط میان تصویر و متن مقدس، مبهم است. در هیچ نسخه مصور دیگری چه مذهبی، تاریخی و یا ادبی، به این صراحت تلاش برای برقراری ارتباط بین مضمون تصاویر و آیات قرآنی دیده نمی‌شود که به این نسخه به خصوص، بیشتر ماهیت استثنایی می‌بخشد. از آنجایی که پیش‌گویی و فالگیری در شرع اسلامی مورد نکوهش قرار گرفته است، نگارگر از طریق اتصال مضمون تصاویر به یک منبع مقدس، تلاش کرده تا به آنها اعتباری بی‌قید و شرط ببخشد.

استفاده از احکام نجوم در فال‌نامه فارسی در سدن آلمان

سومین فال‌نامه ماندگار، در کتابخانه دانشگاه ساچسینک در در سدن آلمان قرار دارد. بر اساس یک کتیبه لاتین در اولین برگه آن، این نسخه در سال ۱۷۱۸ میلادی در وین توسط یوهانس کریستوف ریمبکی؛ مترجم سلطنتی زبان‌های بیگانه در دربار هشتبورگ به دست آمد. این نسخه دارای ۵۱ نگاره است که ابعاد آنها از 48×36.5 تا 48×66.5 سانتی‌متر متفاوت است و آنها را بزرگ‌ترین برگه فال‌نامه‌های موجود می‌دانند. بسیاری از این‌ها حتی بزرگ‌تر بودند. در اصل، بعضی از آنها بریده شده‌اند و در برخی دیگر، حاشیه اطراف تصاویر حذف شده‌اند. به علاوه، برخی از ورق‌ها یا قطعات کاغذ به نظر می‌رسد بازیافت شده‌اند. از زمان ورود آن به وین در اوایل قرن هجدهم، این فال‌نامه چندین بار بازپس

کتاب صورالکواكب در جدول ۱ نشان داده شده است. بخش دیگر تصاویر مربوط به مضماین تنجدیم، اجرام فلکی هستند که نمونه‌ای از آن در تصویر ۳ آمده است.

در کنار بروج فلکی، مضمون دیگر مربوط به کار کرد تنجدیم در پیش‌گویی، اجرام فلکی است که شامل ۷ سیاره اصلی می‌شود. در تصویر ۳، یکی از این سیارات هفت گانه یعنی زحل به تصویر کشیده شده است. این سیاره، بلندترین و یا دورترین سیاره بوده و کلمه زحل خود به معنی بسیار دور گریخته است. منجمان احکامی، زحل را کوب پیران و دهقانان، ارباب قلاع، خاندان‌های قدیم، غلامان سیاه، صحرائشینان، مردم سفله، خسیس، زاهدان بی‌علم و موصوف به صفات مکر، کینه، حمق، جهل، بخل، ستیزه و کاهلی می‌شمرند (مصطفی، ۱۳۵۷: ۲۳۷ و ۳۳۸). چنان‌که از مفهوم این سیاره در احکام نجوم بر می‌آید، در این نگاره فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سرای، زحل به شکل پیرمردی با چهره‌ای تیره، تصویر شده است که دارای ۷ دست و در هر دست او یک شیء قرار دارد که معرف مفهوم این سیاره در احکام نجومی است؛ مثلًا داس در دست چپ پایینی آن، نشانگر دهقانان و کشت و زرع است. این نسخه، تنها نسخه‌ای است که در برگه نگاره‌های آن، متن و تصویر با هم ادغام شده‌اند. هر نگاره توسط یک دو بیتی به خط نستعلیق، قاب‌بندی شده است که موضوع و ماهیت کلی فال مربوط به نگاره را معرفی می‌کند. علاوه بر آن، یک آیه قرآنی به خط محقق و رنگ طلایی، آبی و یا قرمز در بالای صفحه نگاره‌ها به چشم می‌خورد. در نمونه‌های



تصویر ۳. نگاره زحل، فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سرای. (Farhad et al, 2010: 250)



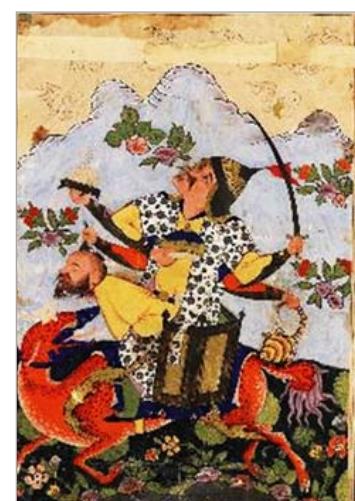
تصویر ۲. نگاره بروج دوازده گانه، فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سرای. (Farhad et al, 2010: 38)

گرفته شده است و امروزه تعدادی از برگه‌های آن از میان رفته و بعضی دیگر گم شده‌اند. بسیاری از شواهد، سایش و پاره‌شدن را نشان می‌دهند و حداقل چهار تصویر از ده تصویر با آلودگی گستردۀ به‌طور کامل رنگ‌آمیزی شده‌اند. با وجود وضعیت شکننده فعلی آن، سبک، محظوظ و ساختار این نسخه، در درک پیدایش فالنامه‌های تصویری در قرن شانزدهم ارزشمند است. به‌طور کلی، موضوعات نگاره‌ها از دیگر فالنامه‌ها اقتباس شده است، اما این نسخه، تعدادی از موضوعات جدید مذهبی و ادبی را نیز شامل می‌شود (Farhad et al, 2010: 60).

در برگه‌های موجود فالنامه فارسی درسدن آلمان، ۲ نگاره با مضمون تنجیم وجود دارد. در تصویر ۴، یکی دیگر از سیاره‌های هفت گانه اصلی یعنی مریخ به تصویر کشیده شده است. این سیاره، از نخستین سیارگانی است که بشر نخستین آن را کشف کرده؛ چون رنگ سرخ ویژه آن و درخشش فصلی آن، مریخ یا بهرام را ستاره‌ای متمایز و مشخص ساخته است. بهرام، وهران و ورهران، اصل «ورثرغن» به معنی فاتح، شکننده و جنگجو است. در اشعار فارسی نیز از خشم و سلحشوری مریخ، سخن‌ها گفته شده و عنوانی فراوانی چون حیدر رزم‌فلک، مریخ خون‌آلود و مریخ سلحشور به‌وی داده‌اند (مصطفی، ۱۳۵۷: ۷۳۰). این ستاره در تصورات ایرانی، یونان و روم ایزدخدای جنگ بوده؛ به‌همین علت منجمان احکامی، مریخ را کوکب لشکریان و امرای ظالم، دزدان و مفسدان شمرده‌اند (همان: ۷۲۹). همان‌طور که در تصویر ۴ نشان داده شده، تصویرسازی این نگاره کاملاً منطبق بر مفهوم این سیاره در احکام نجوم است. مرکب سرخ‌رنگ و پرچمی که بر بالای کلاه خود آمده، نشانه سرخی این کوکب



تصویر ۵. نگاره صورت فلکی اژدها، فالنامه فارسی درسدن. (URL: 3)



تصویر ۴. نگاره مریخ، فالنامه فارسی درسدن. (URL: 2)



استفاده از احکام نجوم در فال‌نامه ترکی سلطان احمد اول

جنگ چالدران از یک لحاظ برای صفویان و عثمانیان نتایج تازه‌ای پیش آورد. سلطان سلیم پس از پیروزی در جنگ، وارد تبریز پایتخت جدیدالتأسیس صفویان گردید (هامر پورگشتال، ۱۳۶۷: ۸۴۶). او «هزار نفر از اربابان صنایع را که هر یک در فن خود استاد ماهری بی نظیر بودند از سکنه تبریز انتخاب نموده و به استانبول فرستاد» (هامر پورگشتال، ۱۳۶۷: ۸۴۷ و جلالزاده، ۱۹۹۰: ۵۵-۱۵۴).

فریدون بیک می‌نویسد: دستور داده شد تا استادان اهل حرف را به استانبول منتقل کرددن (احمدپاشا، ۱۲۷۴: ۴۶۳). امروزه در آرشیو توپقاپی سرای استانبول، سندی به شماره ۱۰۷۳۴ موجود است که عنوان «دفتر اشیای ضبط شده توسط سلطان سلیم از استرا، از قصر هشت‌بهشت، از مهتر خانه‌ها و اساتید هنر» را دارد (حقی و چارشی‌لی، ۱۳۸۰: ۲۸۹).

کاترینوز نو در سفرنامه خود می‌نویسد: «سلطان عثمانی با عده‌ای از هنرمندان ماهر و پانصد بار از خزانه خود بهره‌افتد» (آلساندري و همکاران، ۱۳۴۹: ۲۶۳). در سفرنامه آنجلولو هم قید شده که «سپس آن ترک به تبریز آمد و بی‌درنگ هفت‌صد خانواده از کارگران ماهر را سراغ کرد و ایشان را به قسطنطینیه فرستاد» (آلساندري و همکاران، ۱۳۴۹: ۳۳۰).

این که چرا این هنرمندان و پیشه‌وران به استانبول کوچیده‌اند را باید در سیاست‌های سخت‌گیرانه صفویان نسبت به اهل سنت هم جستجو کرد (آژند، ۱۳۸۹: ۳۵ و ۳۶).

نزدیک به یک قرن بعد از جنگ چالدران و در سال ۹۲۰ ق. ۱۵۱۴ م.، یک نسخه فال‌نامه خطی مصور در حکومت عثمانیان به‌وسیله کالندره پاشا، وزیر دربار عثمانیان تهیه شد. این نسخه برای هدیه به سلطان احمد اول، پادشاه وقت عثمانیان، احتمالاً در حدود سال‌های ۱۶۱۴-۱۶۱۶ م. تهیه شده است (Farhad et al, 2010: 68). بر مبنای استاد تاریخی مربوط به کوچ هنرمندان از ایران به دربار عثمانی، مشابهت‌های سیکشناختی و قالب و مضمون یکسان، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر چه این نسخه فال‌نامه در دربار عثمانی و به زبان ترکی نگاشته شده است، اما از جمیع جهات، متعلق به فضای گفتمانی و سنت فال‌نامه‌نگاری دوره صفویه است. نسخه خطی فال‌نامه سلطان احمد اول دارای ۳۵ نگاره است و بیشتر نگاره‌های آن، مضامین دینی را روایت می‌کنند. در میان این نگاره‌ها، تعداد ۴ نگاره مربوط به مضامین تنجدیم می‌شود که همچون دو نسخه دیگر، شامل بروج فلکی (برج‌های دوازده گانه) و اجرام فلکی (سیارات هفت گانه) هستند.

به‌شكل سوسмарی بزرگ با دو بال توصیف کرده‌اند که آتش از دهانش خارج می‌شود. در اساطیر جهان، این جانور هم خزنه آتشین است و بال‌های عقاب، چنگال شیر، دُم مار و دَم دانسته‌اند (رسنگارفسایی، ۱۳۷۹: ۳۷). تنین (ازدها، ثعبان)، از صورت‌های فلکی در نیمکره شمالی آسمان؛ این صورت در مجاورت صورت‌های فلکی دُب اکبر، دب اصغر، قیفاووس، شلیاق، زرافه، عوا و جاشی قرار گرفته و به صورت ماری بزرگ در گردآگرد قطب شمالی دایره‌البروج تصور شده است (بیرونی، ۹۱: ۱۳۶۲). واژه عربی تنین احتمالاً از واژه سریانی و آرامی تنین گرفته شده است (مشکور، ۱۳۵۷: ۱۰۸). در افسانه‌های یونانی، تنین، ازدهایی بوده است که هر کول یا کادموس او را کشت و دندان‌هایش را در خاک پنهان کرد و از آنها مردانی مسلح روییدند (Allen, 1963: 203). در اسطوره‌های یونان باستان، میان ازدهای فرضی فلکی و صورت فلکی تنین ارتباطی وجود ندارد. احتمالاً در تمدن‌های پیش از یونان، مانند تمدن بابل، این دو ازدها به‌نوعی با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. شاید بابلی‌ها صورت فلکی تنین را به این دلیل ابداع کرده‌اند که نماینده ازدهای گرفتگی‌ها باشد. در میان اعراب، شاعران و منجمان ایرانی، این ازدهای فلکی و صورت فلکی ازدها، هر دو، تنین نامیده شده‌اند (صوفی، ۱۳۵۱: ۱۵۰). در ادبیات فارسی نیز، ازدهای فلکی و صورت فلکی ازدها یا تنین با تعابیری همچون ازدهای چرخ، ازدهای گردون یا ازدهای سپهر به کار رفته است (سعد سلمان، ۱۳۶۲: ۶ و ۱: ۱).

در این نگاره (تصویر ۵)، این مفاهیم با مضمونی دینی- مذهبی در آمیخته و بدین ترتیب سه معنا را بازنمایی می‌کند: اول این که باورهای قالب مذهبی در دوران صفویه را انکاس می‌دهد، دوم حضرت علی (ع) را به عنوان قهرمانی اسطوره‌ای و ازدهاکش تصویر کرده و از این طریق بین مفاهیم اسطوره‌ای_ حمامی و مفاهیم مذهبی ارتباط برقرار شده است و سوم؛ همان‌طور که در نگاره‌های فال‌نامه فارسی موزه توپقاپی سرای، در هر برگه نگاره، یک آیه قرآنی برای موجه‌ساختن پیش‌گویی و احکام نجومی از دید شرع ذکر شده بود، در این نگاره نیز صورت فلکی ازدها با شمایل‌های مذهبی همراه گشته تا ممنوعیت استفاده از تنجدیم در پیش‌گویی را وجهه‌ای مشروع بخشد. منشأ تصویرسازی این صورت فلکی در تصویر ۶، یعنی صورت فلکی ازدها، در کتاب صور کواكب نشان داده شده است. این کتاب، منبع اصلی تصویرسازی صور فلکی در هنرهای مختلف از قرن چهارم هجری به بعد بوده است و همچنان که از تصویر ۵ بر می‌آید، این سنت بصیری در فال‌نامه‌های مصور دوره صفویه نیز ادامه پیدا کرده است.

در تصویر ۷، کامل‌ترین تصویر از مفاهیم احکام نجوم در فال‌نامه‌های موجود ارائه شده است. در این نگاره، دایرةالبروج به تصویر کشیده شده است. دایرةالبروج، مسیر حرکت ظاهری سالانه خورشید نسبت به زمین بر روی کره سماوی است. دایره‌ای خورشید فرضی در آسمان است که ظاهرًا (از دید ساکنان کره زمین) به‌نظر می‌آید که خورشید در مدت یک سال آن دایره را طی می‌کند. این دایره در حقیقت، مدار حرکت انتقالی زمین را به دور کره خورشید مشخص می‌کند و در واقع طرح مدار زمین بر کره آسمان است؛ یعنی دایره‌ای است که از تلاقی سطح مدار حرکت انتقالی زمین با کره آسمان که آن را اصطلاحاً فلك ثوابت نامیده‌اند، پیدا می‌شود. دایرةالبروج نیز همراه با تقسیم منطقه‌البروج، به ۱۲ بخش مساوی (هر بخش یک برج، معادل ۳۰ درجه یا دو بعد ساعتی) تقسیم می‌شود. در دو هزار سال قبل، از میان ۱۲ صورت فلکی عبور می‌کرده و برج‌ها به‌وسیله آنها نام‌گذاری شده است که امروزه به‌علت حرکت تقدیمی زمین با پیوستن صورت فلکی حوا (مارافسای) که در میان دو صورت فلکی کژدم و صورت فلکی کمان و در گذر برج قوس قرار دارد، عملاً دایرةالبروج از ۱۳ صورت فلکی عبور می‌کند؛ اما این به‌معنی افزوده شدن بر برج‌های دوازده گانه نیست. هر بخش از دایرةالبروج، نماینده یک برج است. حرکت انتقالی زمین به‌دور خورشید موجب می‌شود که در هر ماه از سال خورشیدی، خورشید ظاهرًا درون یکی از این برج‌های دوازده گانه قرار بگیرد. در این نگاره (تصویر ۷)، بروج دوازده گانه در شعاع دایره با زمینه آبی مشخص شده است که هر برج فلکی



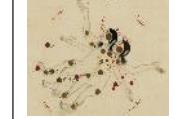
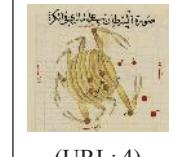
تصویر ۷. دایرةالبروج، فال‌نامه ترکی سلطان
احمد اول (Farhad et al, 2010: 176)



تصویر ۶. صورت فلکی تنبی (ارزه‌ها)، نسخه خطی
صورالکواكب. ۸۰۸-۸۱۸ ه.ش. (URL: 4)



جدول ۱. تطبیق نحوه تصویرسازی بروج دوازده گانه فلکی در کتاب صورالکواكب و فالنامه‌های مصور دوره صفویه

معنای برج فلکی در احکام نجوم	فالنامه سلطان احمد اول	فالنامه توپقاپی سرای	برج فلکی در صورالکواكب	ماه شمسی	نام لاتین	نماد	برج فلکی
کسی که تحت نفوذ صورت فلکی برج حمل متولد شده: خندان، سخن‌گو، ملک طبع، بزرگمنش، خشم‌آلود، مردانه و عاشق سفر است (بیرونی، ۱۳۶۵: ۳۲۵).	 Farhad et al., (۲۰۱۰: ۱۷۶)	 Farhad et al., (۲۰۱۰: ۳۸)	 (URL: ۴)	فروردین	Aries		حمل
کسی که طالع وی در برج ثور است معمولاً: کاهل، دوراندیش، بردبار، مکار و دارای ابروی خرد، پیشانی بلند، گردن دراز و سیاه‌چشم و زیرنگر و بینی پهن و سر برآمده (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۲۷).	 (Farhad et al., 2010: 176)	 (Farhad et al., 2010: 38)	 ((URL: 4))	اردبیلهشت	Taurus		ثور
صاحب طالع جوزا: پاکیزه و کریم و خداوند لهو و دوستدار دانش و علم‌های آسمانی با حافظه قوی و دارای سیاست و دوروبی، وصف شده است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۲۷).	 (Farhad et al., 2010: 176)	 (Farhad et al., 2010: 38)	 (URL: 4)	خرداد	Gemini		جوزا
گنگی و کاهلی و دوروبی از صفات منسوب به سلطان است (مصطفی، ۱۳۵۷: ۱۲۱). در کتب احکام نجوم، سلطان، برج کشتی بنان و جوی کنان و آبیاران است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۲۸).	 (Farhad et al., 2010: 176)	 (Farhad et al., 2010: 38)	 (URL: 4)	ژو	Cancer		سلطان
شادی زندگی، جاهطلبی، غرور و ترقی، دلیری و شجاعت، سخت‌دلی و جفاکاری و فراموشی را به او نسبت داده و اسد را خداوند سواران و ضرایان و صیادان نامیده‌اند (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۸۷ و ۳۸۳).	 (Farhad et al., 2010: 176)	 (Farhad et al., 2010: 38)	 (URL: 4)	مرداد	Leo		اسد
سخاوت، نیک‌طبعی، نیکوگویی، بسیارانی توأم با حکمت، سبکی، بازی، پای کوبی و موسیقی‌دانی. از طبقات مردم: وزیران، مهتران، صاحب‌منصبان، صاحبان حشمت، نویسنده‌گان و رقصان (همان: ۱۳۶۲: ۳۳۷ و ۳۳۸).	 (Farhad et al., 2010: 176)	 (Farhad et al., 2010: 38)	 (URL: 4)	شهریور	Virgo		سنبه

ادامه جدول ۱. تطبیق نحوه تصویرسازی برج دوازده گانه فلکی در کتاب صورالکواكب و فالنامه‌های مصور دوره صفویه

معنای برج فلکی در احکام نجوم	فالنامه سلطان احمد اول	فالنامه توپقاپی سرای	برج فلکی در صورالکواكب	ماه شمسی	نام لاتین	ناد	برج فلکی
بالندیشه و ادب، جوانمرد، بخشنده و کامل و عادل، مردمدوست، شاعر و با اندام معتدل و خوش صورت و سپید مایل به گندم‌گونه و سرمه چشم، وزیران و دبیران، مهتران و رقاصان (مصطفی، ۱۳۵۷: ۷۷۴).			 (URL: 4)	مهر	Libra	میزان	
برخوردهای ناهنجار، ترش رویی و بی‌شرمی، کاهله‌ی، تکبر و نادانی و در عین حال سخاوت و شجاعت (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۲۷-۳۲۸).			 (URL: 4)	ابان	Scorpius	عقرب	
صاحب طالع قوس: ملک طبع، رازدار، بخشنده، مکار، متعصب، پاکیزه خورش و معجب و نیز مهندس و جهان‌گرد، فراموش‌کار و بسیار اندیشه به کار جهان و بسیار خطأ (مصطفی، ۱۳۵۷: ۶۰۶).			 (URL: 4)	آذر	Sagittarius	قوس	
خداؤند صیادان، بندگان، چاکران و غلامان. صاحب طالع جدی: فراموش‌کاری و سخت‌گیری در رأی و دوستدارنده حکمت و خشم آلود و بداندیش (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۳۲ و ۳۳۳).			 (URL: 4)	ئى	Capricornus	دیدی	
در احکام نجوم، این برج دلالت بر اخلاق نیک، تجمل، حرص و پاکیزگی دارد. صاحب طالع دلو بسیار اندیشه و گردکننده طعام، بخیل، پرخواسته و بددل توصیف شده است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۲۵-۳۲۸).			 (URL: 4)	جهمن	Aquarius	دلو	
بیشتر به منظور مرح و بیان تحول سال و تغییر فصل یا اظهار اطلاع در مسائل نجومی و نیز به‌قصد تصنیع و اعنت و تناسب، در شعر فارسی فراوان آمده است (مصطفی، ۱۳۵۷: ۲۱۴).			 (URL: 4)	اسفند	Pisces	حوت	

(نگارنده‌گان)



جدول ۲. تطبیق استفاده از احکام نجومی در فال نامه های مصور دوره صفویه

نامه فال	تعداد کل نگاره ها	تعداد نگاره های مضمون تنظیم	عنوان نگاره	مفهوم احکام نجومی	راهکارهای مشروعیت بخشی به پیش گویی از طریق احکام نجوم
فال نامه طهماسبی (پراکنده)	۳۰	۰	-	-	عدم ارجاع مستقیم به احکام نجومی در تصاویر و تنها اشاره به این مفاهیم در متن فالها
استفاده از آیات قرآنی و اشعاری با مضمون دینی- مذهبی در تمام نگاره ها	۵۹	۹	ماه	تأثیر در رسیدن میوه ها و رشد و نمو نباتات و قارچ و تولید بعضی از مواد معدنی و رشد و نمو حیوانات	
			عطارد	کوکب حکما و طبیبان، شعراء و هوشمندان و دیوانیان و کتابخان، نقاشان، تجار، اهل بازار، دین، پاکی و ادب	
			زهره	کوکب زنان، اهل زینت و تحمل، لهو و شادی، عشق و ظرافت، سخریه و سوگند دروغ	
			خورشید	خرد، معرفت، بزرگواری، غرور، پاکیزگی، طمع برای شهرت، جستجوی نام نیک، آمیختن با مردم، زود خشمی، زود پشیمانی خشم، آرامیدن و بردازی	
			مریخ	ایزدخدای جنگ، کوکب لشکریان و امراء ظالم، دزدان و مفسدان	
			مشتری	کوکب قضاط، علماء، اشراف، اصحاب و ارباب نوامیس و ترسایان	
			زحل	کوکب پیران و دهقانان، ارباب قلاع، خاندان های قدیم، غلامان سیاه، صحرانشینان، مردم سفله، خسیس، زاهدان بی علم و موصوف به صفات مکر، کینه، حمق، جهل، بخل، ستیزه و کاهلی	
			بروج دوازده گانه	دوازده برج فلکی که هر کدام با یکی از ماه های سال هماهنگ بوده و تعیین کننده سعد و نحس ایام است	
			ازدها در آسمان	بلغنده خورشید و ماه به هنگام کسوف و خسوف	
استفاده از شمایل های مذهبی در کنار مضمون تنظیم	۵۱	۲	مریخ	مانند نسخه پیشین	
			صورت فلکی ازدها	مانند نسخه پیشین	فال نامه فارسی درسدن

ادامه جدول ۲. تطبیق استفاده از احکام نجومی در فالنامه‌های مصور دوره صفویه

راهکارهای مشروعيت‌بخشی به پيش‌گويي از طريق احکام نجوم	مفهوم احکام نجومی	عنوان نگاره	تعداد نگاره‌های مضمون تنجيم	تعداد کل نگاره‌ها	نسخه فالنامه
عدم ارجاع مستقیم به احکام نجومی در تصاویر و تنها اشاره به این مفاهیم در متن فال‌ها	-	-	۰	۳۰	فالنامه طهماسبی (پراكنده)
استفاده از تصویر فرشته برای القای تقدس و مشروعيت‌بخشی به مضامون تنجيم	سرنوشت انسان بر مبنای وضعیت بروج دوازده گانه و سیارات هفت گانه	دایرة البروج	۴	۳۵	فالنامه ترکی سلطان احمد اول
	مانند نسخ پيشين	زحل			
	مانند نسخ پيشين	مریخ			
	مانند نسخ پيشين	شیر و خورشید			

(نگارندگان)

نتیجه‌گیری

مفاهیم مربوط به احکام نجوم در فالنامه‌های مصور دوره صفویه، یکی از مضامین مهمی است که در جهت پیش‌گویی، از آن استفاده شده است؛ این مفاهیم شامل بروج دوازده گانه و سیارات هفت گانه می‌شود. در کنار این دو مضامون اصلی، برج‌های فلکی دیگری مانند برج فلکی اژدها که جز بروج دوازده گانه نیست هم دیده می‌شود. با توجه به ممنوعیت استفاده از احکام نجومی در پیش‌گویی از دید نهادهای دینی، در هر نسخه، مواجهه متفاوتی با این ممنوعیت صورت گرفته است. در فالنامه نسخه طهماسبی (پراكنده) که اولین فالنامه مصور است، از مفاهیم احکام نجومی در هیچ نگاره‌ای استفاده نشده و تنها اشاره به این مفاهیم در برگه متن فال‌ها دیده می‌شود، اما در نسخه‌های بعدی، این مفاهیم به‌طور مستقیم در برخی از نگاره‌ها به تصویر کشیده شده است. در فالنامه فارسی موزه توپقاپی سرای، در بالای تمام نگاره‌ها یک آیه قرآنی ذکر شده تا این مفهوم را القا کند که مضامون نگاره با متن قرآن در ارتباط بوده و طریق این ارتباط به این مفاهیم مشروعيت ببخشد. در فالنامه فارسی کتابخانه درسدن آلمان، همراه تصویرسازی برج فلکی اژدها، از شمایل‌های مذهبی برای مشروعيت‌بخشیدن به مضامون تنجیم نگاره استفاده شده و در فالنامه ترکی سلطان احمد اول نیز به همراه ترسیم بروج فلکی دوازده گانه و سیارات هفت گانه در نگاره دایرة البروج، فرشتگان بالداری در حال چرخاندن دایرة البروج به تصویر کشیده شده تا القاکنده این معنی باشند که اراده خداوند، مسلط بر چرخش کائنات است و از این طریق به مفهوم احکام نجومی به کار رفته در نگاره، ماهیت مشروع دینی ببخشد.

در کلیت نگاره‌های این فالنامه‌های مصور نیز، فراوانی قابل توجه مضامین برگرفته از قرآن و سنت دینی و مذهبی در جهت ایجاد این تلقی است که فالنامه، کتابی منطبق بر سنت استخاره و در نتیجه از نظر شرع بدون اشکال است تا از این طریق، در کنار آن دیگر باورها از طریق مضامین غیردینی نگاره‌ها، فرصت حیات بیابند.



1. Astrology

2. Astronomy

۳. همان شخصی که شاهنامه بزرگ ایلخانی را اوراق کرد و در حراجی‌ها فروخت و باعث پراکنده شدن نگاره‌های آن در موزه‌ها و کتابخانه‌های دنیا شد (ریشارد، ۱۳۸۳: ۴۵ به نقل از: آذند، ۱۳۹۵: ۱۵۰).

4. Edgar Blochet

5. Kalender

منابع و مأخذ

- آزند، یعقوب. (۱۳۸۹). «تأثیر هنرمندان مکتب تبریز در شکل‌گیری و گسترش مکتب استانبول». *نشریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*، ۴۱(۲)، ۳۳-۴۵.
- ----- (۱۳۹۴). *مکتب نگارگری تبریز و قزوین_مشهد*. چاپ دوم، تهران: فرهنگستان هنر.
- ----- (۱۳۹۵). *نگارگری ایران*. چاپ سوم، تهران: سمت.
- آساندری و همکاران. (۱۳۴۰). *سفرنامه ونیزیان در ایران*. ترجمه منوچهر امیری، چاپ اول، تهران: خوارزمی.
- احمد پاشا، فریدون. (۱۲۷۴ ق). *منشات فربودون بیک*. جلد اول، قسطنطینیه.
- اسفندیاری، زینب. (۱۳۹۴). «نجوم در دوران اول عباسی». *پژوهش‌های فرهنگی*، سال اول(۲)، ۸۵-۱۰۶.
- افشار، ایرج. (۱۳۸۳). *فال‌نامه*. فرهنگ مردم، سال سوم(۱۰)، ۷۶-۸۱.
- باقری حسن‌کیاده، معصومه و حشمتی، مهناز. (۱۳۹۳). «پیش‌گویی و طالع‌بینی در متون ایرانی دوره میانه». *فرهنگ و ادبیات عامه*، سال دوم(۳)، ۱-۲۴.
- بیانی، مهدی. (۱۳۴۲). *مالک دیلمی*. پیام نوین، ۱۲(۵)، ۲۱-۳۰.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۶۲). *التفہیم لاوائل صناعة التنجیم*. تصحیح جلال الدین همایی، چاپ دوم، تهران: بابک.
- ----- (۱۳۶۶). *آثار الباقيه عن قرون الخالية*. ترجمه اکبر داناسریت، چاپ ششم، تهران: امیرکبیر.
- بیکرمن، ئی و دیگران. (۱۳۸۴). *علم در ایران و شرق باستان (مجموعه مقالات)*. ترجمه و تحشیه هماییون صنعتی زاده، چاپ اول، تهران: قطره.
- پورگشتال، هامر. (۱۳۶۷). *تاریخ امپراتوری عثمانی*. ترجمه میرزا زکی علی‌آبادی، چاپ اول، تهران: اساطیر.
- جلال‌زاده، مصطفی. (۱۹۹۰). *سلیمان‌نامه*. آنکارا: آوغور (ترکی).
- حقی، اسماعیل و چارشی‌لی، اوزون. (۱۳۸۰). *تاریخ عثمانی*. ترجمه ایرج نوبخت، چاپ دوم، تهران: کیهان.
- حلبي، على‌اصغر. (۱۳۷۲). *تاریخ تمدن اسلام*. چاپ اول، تهران: اساطیر.
- ----- (۱۳۷۸). *سی قصیده از ناصر خسرو*. چاپ نهم، تهران: پیام نور.
- خزائی، محمد. (۱۳۸۶). «صورت‌های فلکی رساله صورکواکب (۴۰ هجری)». *کتاب ماه هنر*، ۱۱۰ و ۷۴ و ۷۵.
- رستگارفسایی، منصور. (۱۳۷۹). *اژدها در اساطیر ایران*. چاپ اول، تهران: توسع.
- رفیعی، احمد رضا و شیرازی، علی‌اصغر. (۱۳۸۶). «هنر دوره سلجوکی، پیوند هنر و علوم». *نگره*، سال سوم(۵)، ۱۰۷-۱۱۹.
- روسو، پیر. (۱۳۳۷). *تسخیر ستارگان*. ترجمه رضا اقصی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی.
- ریشارد، فرانسیس. (۱۳۸۳). *جلوه‌های هنر پارسی*. ترجمه روح‌بخشان، چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد.
- زرگری، فاطمه و یحیائی، علی. (۱۳۹۳). «تأثیر باورها و نگرش‌های نجومی بر اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در سده‌های چهارم تا نهم ق.». *مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ*، سال چهل و ششم(۹۳)، ۹۷-۱۲۲.
- سجادی، محمدصادق. (۱۳۶۰). *طبقه‌بندی علوم در تمدن اسلامی*. چاپ اول، تهران: چاپخانه کاویان.
- سرامی، قدمعلی. (۱۳۸۳). *از رنگ گل تارنج خار (شکل‌شناسی داستان‌های شاهنامه)*. چاپ چهارم، تهران: علمی و فرهنگی.
- سعد سلمان، مسعود. (۱۳۶۲). *دیوان*. تصحیح رشید یاسمی، چاپ اول، تهران: گلشایی.
- سودآور، ابوالعلاء. (۱۳۸۰). *هنر درباره‌ای ایران*. ترجمه ناهید محمدشیرانی، چاپ اول، تهران: کارنگ.
- سیپک، بیری. (۱۳۸۴). *ادیبات فولکلور ایران*. ترجمه محمد اخگری، چاپ اول، تهران: سروش و مرکز.

- شاردن، سر زان. (۱۳۳۸). *سیاحت‌نامه شاردن*. ترجمه محمد عباسی، چاپ اول، تهران: امیرکبیر.
- صرفی، محمد رضا و افضل، راضیه. (۱۳۸۹). «بازتاب باورهای نجومی در خمسه خواجهی کرمانی». *کهن‌نامه ادب پارسی*، سال اول (۲)، ۷۶-۵۳.
- صوفی، عبدالرحمان. (۱۳۵۱). *صورالکواكب*. ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- غفوری، رضا. (۱۳۹۴). «نبرد قهرمان با اژدها در روایت‌های حماسی ایران». *ادب پژوهی*، ۹(۳۴)، ۹۹-۱۲۸.
- قهاری گیگلو، مهناز و محمدزاده، مهدی. (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی صور نجومی در نسخه صورالکواكب و آثار فلزی سده‌های پنجم تا هفتم هجری». *نگره*، ۵(۱۴)، ۵-۲۲.
- گلسرخی، ایرج. (۱۳۷۷). *تاریخ جادوگری*. چاپ اول، تهران: علم.
- لسان، حسین. (۱۳۵۶). «*تفائل و تطیر*». *هنر و مردم*، ۱۸۳(۱)، ۳۰-۵۷.
- لویون، گوستاو. (۱۳۵۴). *تمدن اسلام و عرب*. ترجمه سید هاشم حسینی، چاپ اول، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- مسعودی، ابوالحسن. (۱۳۶۳). *التنبیه والاشرا*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۵۷). *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*. چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- مصفی، ابوالفضل. (۱۳۵۷). *فرهنگ اصطلاحات نجومی، همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی*. چاپ اول، تبریز: مؤسسه تاریخ و فرهنگ.
- نیکنام، حسین میرزا و صرفی، محمد رضا. (۱۳۸۱). «پیش‌گویی در شاهنامه». *مطالعات ایرانی*، سال دوم (۲)، ۱۵۳-۱۷۲.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۸۵). *کاوش در رصدخانه مraghe و نگاهی به پیشینه دانش ستاره‌شناسی در ایران*. چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- هلزی هال، لوییس ویلیام. (۱۳۶۳). *تاریخ و فلسفه علم*. ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ اول، تهران: سروش.

- Allen, Richard H. (1963). *Star Names: Their Lore and Meaning*. New York: Dover publications.
- Canby, Sh. (1999). *The Golden Age of Persian Art*. London: British Museum Press.
- Farhad, Massumeh et al. (2010). *Falnama: The Book of Omen*. USA: Thames & Hudson.
- Tokatlian, Armen. (2007). *Falnamah: Livre Royal des Sorts*. Paris: Gourcuff Gradenigo.
- URL 1: http://p3.storage.canalblog.com/34/04/119589/113049905_o.jpg (access date: 2017/10/27).
- URL 2: <https://digital.slub-dresden.de/data/goobi/407518959/407518959.tif/jpegs/00000041.tif.large.jpg> (access date: 2017/10/28).
- URL 3: <https://digital.slub-dresden.de/data/goobi/407518959/407518959.tif/jpegs/00000096.tif.large.jpg> (access date: 2017/10/28).
- URL 4: <http://gallica.bnf.fr/ark:/12148/btv1b60006156/f1.image.r=suwar%20al-kawakib> (access date: 2018/01/13).

Received: 2017/12/02

Accepted: 2018/07/08



Visual solutions in visualizing and legitimizing astrology in illustrated Falnama of the Safavid era

Saied Akhavani* Fattaneh Mahmoudi**

Abstract

4

Belief in the effect of the status of celestial bodies on human life events has long been common among different ethnic groups. The Astrological Concepts in Iranian art have been used as decorative engraving in metalworking and other applied arts in different periods but in the illustrated Falnama of the Safavid era, these concepts were not used as decorations, but in their original nature, as a tool for predicting. Forecasting through astrology in the Islamic period has been faced with the prohibition of religious institutions. With regard to the determinant role of religion in the Safavid dynasty, this question is raised that how forecasting through astrological concepts were started in illustrated Falnama of the Safavid era and what steps have been taken to legitimize it against the prohibition of religious institutions? In this paper, to address this issue with a descriptive-analytical-comparative method, four Illustrated Falnama: the Dispersed Falnama, the Topkapi Persian Falnama, the Dresden Falnama and the Falnama of Ahmet I have been studied. In the present study, the presence of the concepts of astrology in the images of these four manuscripts was first examined, then the way of illustrating the concepts of astrology and the legitimization strategies are adapted to this prediction method. The result of this study indicates that the astrological sentences in prediction were not used in the oldest version of the Falnama due to the religious prohibition and were used in the augury text. But in the next manuscripts, these concepts are directly depicted in the drawings, by using some solutions such as the use of Quranic verses in each image, religious icons along with astronomical theme, and also angels to legitimize the use of Astrological sentences in prediction.

Keywords: Painting of the Safavid era, Illustrated Falnama, Belief in forecasting, Astrology visualization, visual solution of legitimization.

* MA art research, university of Mazandaran, Iran.

** Associate Professor of art and architecture faculty, University of Mazandaran, Iran.